

نیایش های ماه سوم - هفته اول

فهرست

- ۱ روز اول : عضو یک بدن
- ۲ روز دوم : چهره بی نقاب
- ۳ روز سوم : جنگ برای محبت
- ۴ روز چهارم : دعا حمله کردن است
- ۵ روز پنجم : وسوسه
- ۶ روز ششم : ویژگی های وسوسه
- ۷ روز هفتم : صبر و پیروزی

روز اول : عضو يك بدن

رساله اول قرن‌تینان ۱۲ : ۱۲ - ۲۷ را که در زیر آمده است را بخوانید .

اول قرن‌تینان ۱۲ : ۱۲-۲۷

۱۲ زیرا چنانکه بدن یک است و اعضای متعدّد دارد و تمامی اعضای بدن اگرچه بسیار است یک تن میباشد، همچنین مسیح نیز میباشد . ۱۳ زیرا که جمیع ما به یک روح در یک بدن تعمید یافتیم ، خواه یهود ، خواه یونانی ، خواه غلام ، خواه آزاد و همه از یک روح نوشانیده شدیم . ۱۴ زیرا بدن یک عضو نیست بلکه بسیار است . ۱۵ اگر پا گوید چونکه دست نیستم از بدن نمیباشم ، آیا بدین سبب از بدن نیست ، ۱۶ و اگر گوش گوید چونکه چشم نیم از بدن نیستم ، آیا بدین سبب از بدن نیست ، ۱۷ اگر تمام بدن چشم بودی ، کجا میبود شنیدن و اگر همه شنیدن بودی کجا می بود بوییدن ، ۱۸ لکن الحال خدا هریک از اعضا را در بدن نهاد برحسب اراده خود . ۱۹ و اگر همه یک عضو بودی بدن کجا

می بود؟ ۲۰ اما الان اعضا بسیار است لیکن بدن یک . ۲۱ و چشم دست را نمی تواند گفت که محتاج تو نیستم یا سر ، پایها را نیز که احتیاج به شما ندارم . ۲۲ بلکه علاوه بر این ، آن اعضای بدن که ضعیفتر می نمایند ، لازم تر میباشدند . ۲۳ و آنها را که پست تر اجزای بدن می پنداریم ، عزیزتر می داریم و اجزای قبیح ما جمال افضل دارد . ۲۴ لکن اعضای جمیله ما را احتیاجی نیست ، بلکه خدا بدن را مرتّب ساخت به قسمی که ناقص را بیشتر حرمت داد ، ۲۵ تا که جدایی در بدن نیفتد ، بلکه اعضا به برابری در فکر یکدیگر باشند . ۲۶ و اگر یک عضو دردمند گردد ، سایر اعضا با آن هم درد باشند و اگر عضوی عزّت یابد ، باقی اعضا با او به خوشی آیند . ۲۷ اما شما بدن مسیح هستید و فرداً اعضای آن میباشید .

گاه در بین مسیحیان این روحیه و طرز فکر یافت می شود که « من به دیگران کاری ندارم ، خدمت خودم را انجام می دهم و هوای ایمان خودم را هم دارم ، بقیه به من مربوط نیستند ! »

در نظر برخی شاید این یک روحیه خوب و مثبت جلوه کند ولی از آن بوی محافظه کاری به مشام می رسد و شاید بدلیل همین امر است که بعضی از مردم از آن خوششان می آید .

اصولاً مردم دنیا از مسیحیان محافظه کار بیشتر خوششان می آید . ولی این نوع طرز تفکر در نظر خدا کاملاً مردود است . چطور می توان از یک مسیحی انتظار داشت که در فکر برادر افتاده و یا گمراه خود نباشد و کاری هم به کارش نداشته باشد؟! ما خواننده شده ایم که اعضای یک بدن باشیم که هر چند هر یک کار ویژه ای داریم ، اما این امر دلایل بر این نمی شود که کاری هم به کار یکدیگر نداریم . زیرا ما فرداً فرد اعضای یکدیگر هستیم و اگر عضوی ملول گردد و درد کشد ، دیگر اعضا با او در رنج وی سهیم هستند . بی حسی و بی تفاوتی نسبت به دیگر برادران و خواهران مسیحی از آن وجدانهای داغدیده ای است که هر چند مسیحی باشند و یا هر چند مسیح را خدمت کنند ولی نفعی به حال عیسی مسیح و کلیسایش ندارند .

موضوع تفکر برای دعا :

- آیا من نسبت به سایر اعضای کلیسای روحانی عیسی مسیح خداوند ، بی تفاوت و بی احساس هستم ؟ و فقط برای امور زندگی خودم می دوم ؟ چقدر برای برادران و خواهرانم در تمام نقاط دنیا فکر می کنم ؟ چقدر برای آنها دعا می کنم ؟

روز دوم : چهره بی نقاب

رساله دوم قرن‌تینان ۳ : ۷ - ۱۸ را که در زیر آمده است را بخوانید .

دوم قرن‌تینان ۳ : ۷ - ۱۸

۷ اما اگر خدمت موت که در حرف بود و بر سنگها تراشیده شده با جلال میبود ، بحدی که بنی اسرائیل نمی توانستند صورت موسی را نظاره کنند به سبب جلال چهره او که فانی بود ،^۸ چگونه خدمت روح بیشتر با جلال نخواهد بود؟^۹ زیرا هرگاه خدمت قصاص با جلال باشد ، چند مرتبه زیادتر خدمت عدالت در جلال خواهد افزود .^{۱۰} زیرا که آنچه جلال داده شده بود نیز بدین نسبت جلالی نداشت به سبب این جلال فایق .^{۱۱} زیرا اگر آن فانی با جلال بودی هرآینه این باقی از طریق اولی در جلال خواهد بود .^{۱۲} پس چون چنین امید داریم ، با کمال دلیری سخن می گوئیم .^{۱۳} و نه مانند موسی که نقابی بر چهره خود کشید تا

نقاب ، شخصیت حقیقی ما را مخفی می کند و مقدار زیادی از قوتهای ذاتی ما را در نهان نگاه می دارد . مردان بزرگ خدا در حضور وی خود را از قید نقابها آزاد می سازند ، از اینرو است که در یک خدمت و زندگی مؤثر و پرتثمر زندگی می کنند . آنها با هیچکس رودر بایستی ندارند ، و خیلی از سنن دست و پاگیر و غلط اجتماعی را رد می کنند و در چنگ قراردادهای اجتماعی که خلاف اراده خدا باشند ، گرفتار و اسیر نمی آیند . چیزی ندارند تا از مدرم پنهان دارند ، درون و برون یکی هستند . از اینرو بسیار صریح و رو راست هم می باشند . در برابر خدا هم چیزی را پنهان نمی کنند . از اینرو خدا آنان را برکت می بخشد .

لیکن بسیاری از مسیحیان در پس نقابهایی که به چهره می زنند ، حال چه نقابهایی اجتماعی و چه نقابهایی روحانی نما ، از پیروی کامل عیسی مسیح باز می مانند .

موضوع تفکر در دعا :

- از امروز نقابهایی خود را کنار بزنید و او را پیروی کامل کنید . سخت است ولی راهی است که باید پیمود ، اگر مشتاق آن هستید که مقبول او باشید .

« چون با چهره بی نقاب جلال خداوند را در آینه می نگریم از جلال تا جلال به همان صورت متبدل می شویم »

روز سوم : جنگ برای محبت

رساله رومیان ۳ : ۱۰ - ۲۴ را که در زیر آمده است را بخوانید .

رومیان ۳ : ۱۰ - ۲۴

۱۰ چنانکه مکتوب است که «کسی عادل نیست ، یکی هم نی .
۱۱ سی فهیم نیست ، کسی طالب خدا نیست . ۱۲ همه گمراه و
جمیعاً باطل گردیده اند . نیکوکاری نیست یکی هم نی . ۱۳ گلوی
ایشان گور گشاده است و به زبان های خود فریب می دهند . زهر
مار در زیر لب ایشان است ، ۱۴ و دهان ایشان پر از لعنت و تلخی
است . ۱۵ پایهای ایشان برای خون ریختن شتابان است . ۱۶
هلاکت و پریشانی در طریق های ایشان است ، ۱۷ و طریق سلامتی
را ندانسته اند . ۱۸ خدا ترسی در چشمانشان نیست » ۱۹ الان آگاه
هستیم که آنچه شریعت می گوید ، به اهل شریعت خطاب می کند
تا هر دهانی بسته شود و تمام عالم زیر قصاص خدا آیند . ۲۰ از

برای محبت باید جنگید تا آن را بدست آورد . محبت در وجود انسان نادر است ، از اینرو هم هست که نیکویی نیست و
عادلی نیز یافت نمی شود . برای محبت باید جنگید آن هم نه با دیگران بلکه با خود ، برای مهار کردن خود ، برای انکار نفس
خود ، خودی که نمی دانم چرا می خواهد از همه متنفر باشد ! به راستی چه چیز نیکویی در وجود انسان یافت می شود که این
قدر فیلسوفان و انسان شناسان را دچار گمراهی می کند که دم از خویشتن خویش می زنند !؟ این خویشتنی که هر چه در عمقش
بروی و به خویشش برسی باز هم می بینی عجب گناهکار بزرگی است !! وقتی که عمیقاً در دعا به اعتراف می پردازیم ، تازه
متوجه می شویم که عجب گناهان بزرگی در ما هست که مثل زهر همه چیز را زهر آگین می کنند . از اینروست که ما فکرهای
سلامتی نداریم . از اینروست که پدر آسمانی می گوید که فکرهای من فکرهای شما نیست و طریقه های من طریقه های شما نیست
. از بس که طریقه ها و فکرهای انسان به گناه آلوده است و زشت ترین و عمیق ترین آنها بی محبتی است ، از اینروست که می
گویم باید برای محبت جنگید تا آن را به چنگ آورد . اگر برای آن با خودمان نجنگیم و نفس خود را انکار نکنیم ، هیچگاه
توقع نداشته باشیم که به محبت برسیم .

موضوع تفکر در دعا :

- ای خدا مرا تفتیش کن و دل مرا بشناس ، مرا بیازما و فکرهای مرا بدان و بین که آیا در من راه فساد
است ؟ و مرا به طریق جاودانی هدایت فرما ! (مزمور ۱۳۹ : ۲۳ و ۲۴)

روز چهارم: دعا حمله کردن است

رساله افسسیان ۶: ۱۰ - ۱۸ را که در زیر آمده است را بخوانید .

افسسیان ۶: ۱۰-۱۸

۱۰ خلاصه ای برادران من ، در خداوند و در توانایی قوت او زور آور شوید . ۱۱ اسلحه تمام خدا را بیوشید تا بتوانید با مکرهای ابلیس مقاومت کنید . ۱۲ زیرا که ما را گشتی گرفتن با خون و جسم نیست بلکه باریاست ها و قدرتها و جهانداران این ظلمت و با فوج های روحانی شرارت در جای های آسمانی . ۱۳ لهذا اسلحه تمام خدا را بردارید تا بتوانید در روز شریر مقاومت کنید و همه کار را به جا آورده ، بایستید . ۱۴ پس کمر خود را به راستی بسته و

جوشن عدالت را دربر کرده ، بایستید . ۱۵ و نعلین استعداد انجیل سلامتی را در پا کنید . ۱۶ و بر روی این همه سپر ایمان را بکشید که به آن بتوانید تمامی تیرهای آتشین شریر را خاموش کنید . ۱۷ و خود نجات و شمشیر روح را که کلام خداست بردارید . ۱۸ و با دعا و التماس تمام در هر وقت در روح دعا کنید و برای همین به اصرار و التماس تمام به جهت همه مقدسین بیدار باشید .

سلاح حقیقی که دعا و کلام خداست ، در دست ایماندار است . شیطان دشمن شکست خورده ای است که در تاریکی قرار دارد و در دستش جز یک کفگیر و تابه ، چیز دیگری نیست ! هنگامی که ایماندار با تکیه بر وعده های خدا در دعا بخ مواضع تاریک شیطان حمله می برد ، او از ترسش شروع به کوفتن کفگیر بر تابه می کند و سرو صدای زیادی راه می اندازد . اگر ایماندار با تجربه باشد ، می داند که همه اینها هیاهویی بیش نیست . زیرا عیسی خداوند ، شیطان را بر صلیب شکست داده و کوفت . ولی اگر ایماندار بی تجربه باشد ، ترس برش می دارد و یا نومید می شود چون می پندارد که یا آن مواضع را نمی تواند فتح کند و یا اینکه دشمن از او قویتر است . به همین خاطر دست از حمله کردن می کشد ، و شیطان هم نفسی به راحتی می کشد ، ولی ایماندار بی تجربه از آن برکتی که عیسی مسیح دو هزار سال پیش بر صلیب برای او نیز مهیا کرده است ، بی نصیب می ماند : همان لذت شکست دشمن و فتح قلعه های تاریک وی به نفع نور روی عیسی مسیح خداوند . همینگونه است دعا های ما - تا هنگامی که به دعا کردن نپرداخته ایم به نظر می رسد که همه چیز در صلح و آرامش است . به محض اینکه شروع می کنیم به دعا کردن ، بادهای مخالف هم شروع می کنند به وزیدن . اینها همه تلاشهای مذبوحانه دشمن است ، در واقع شکست خورده و مسیحی می باید این مهم را بدانند . اگر در دعا باز ایستد ، برکت خدا را از دست داده است و همچنین شاید فرصتی را که بار دیگر بدست نخواهد آمد . خوشا به حال ایماندار که زندگی خود را بر صخره اعتماد به کلام حقیقی عیسی مسیح بنا کند .

« ای فرزندان شما از خدا هستید و بر ایشان غلبه یافته اید ، زیرا او که در شما است ، بزرگتر است از آنکه در جهان است . » (اول یوحنا ۴ : ۴)

موضوع تفکر در دعا :

مفهوم پیروزی در عیسی خداوند را به ما بفهمان .

روز پنجم : وسوسه

رساله عبرانیان بابهای ۲: ۱۰-۱۸ و ۴: ۱۴-۱۶ را که در زیر آمده است را بخوانید .

عبرانیان ۲: ۱۰-۱۸

۱۰ زیرا او را که بخاطر وی همه و از وی همه چیز میباشد ، چون فرزندان بسیار را وارد جلال می گرداند، شایسته بود که رئیس نجات ایشان را به دردها کامل گرداند . ۱۱ زانو که چون مقدس کننده و مقدسان همه از یک میباشد ، از این جهت عار ندارد که ایشان را برادر بخواند . ۱۲ چنانکه می گوید: «اسم تو را به برادران خود اعلام می کنم و در میان کلیسا تو را تسبیح خواهم خواند.» ۱۳ و ایضاً: « من بروی تو گل خواهم نمود.» و نیز: « اینک من و فرزندان که خدا به من عطا فرمود.» ۱۴ پس چون فرزندان در خون و جسم شراکت دارند ، او نیز همچنان در این هر

عبرانیان ۴: ۱۴-۱۶

۱۴ پس چون رئیس کهنه عظیمی داریم که از آسمانها در گذشته است یعنی عیسی ، پسر خدا ، اعتراف خود را محکم بداریم . ۱۵ زیرا رئیس کهنه ای نداریم که نتواند هم درد ضعف های ما بشود ، بلکه آزموده شده در هر چیز به مثال ما بدون گناه . ۱۶ پس با دلیری نزدیک به تخت فیض بیاییم تا رحمت بیاییم و فیضی را حاصل کنیم که در وقت ضرورت «ما را» اعانت کند .

« پس اگر کسی در مسیح است ، خلقت تازه ای است . چیزهای کهنه در گذشت ، اینک همه چیز تازه شده است . » (دوم قرنتیان ۵ : ۱۷)

هنگامی که به عیسی ایمان می آوریم ، ضعفهای ما تبدیل به یک چیز خارجی می شود ، و این بار هر وقت که به سراغ ما می آیند ، وسوسه هستند ، زیرا در مسیح خلقت تازه ای یافته ایم . ما پیش از ارتکاب گناه ، وسوسه می شویم و باید آنقدر در تمییز نیک و بد رشد کنیم تا بتوانیم وسوسه ها را تشخیص دهیم ، چون وسوسه به خودی خود گناه نیست ولی هنگامی که ما تسلیم وسوسه می شویم و آن وسوسه در زندگی ما عملی می گردد ، آنگاه گناه است .

ما به وسیله تولد تازه با عیسی مسیح ارتباط برقرار کرده ایم و باید در مشارکت با او باشیم ، ولی شیطان می خواهد این مشارکت ما را بهم بزند تا از برکات حضور خدا محروم شویم ، پس آن اموری که مشارکت ما را با مسیح برهم می زند ، گناه است . عیسی مسیح در عین بی گناهی ، بر زمین مرتب وسوسه می شد . اما او به همه وسوسه ها « نه » گفت و بدین وسیله شیطان را رد کرد . پس برای اینکه وسوسه تبدیل به گناه نشود باید با وسوسه بجنگیم ، همانند عیسی مسیح در باغ جتسیمانی که عرق خون از پیشانی ریخت ولی باوجود این با وسوسه مقاومت کرد .

موضوع دعا :

- این خداوند ببخشا تا مشارکت تو برای من آنقدر حیاتی باشد تا به تو خطا نورزم و شهادت بدی هم به دیگران ندهم .

روز ششم: ویژگی های وسوسه

رساله عبرانیان بابهای ۴: ۱۴ - ۱۶؛ و ۵: ۷ - ۹ را که در زیر آمده است را بخوانید.

عبرانیان ۴: ۱۴-۱۶

۱۴ پس چون رئیس کهنه عظیمی داریم که از آسمانها در گذشته بشود، بلکه آزموده شده در هر چیز به مثال ما بدون گناه. است یعنی عیسی، پسر خدا، اعتراف خود را محکم بداریم. ۱۶ پس با دلیری نزدیک به تخت فیض بیاییم تا رحمت بیاییم و ۱۵ زیرا رئیس کهنه ای نداریم که نتواند هم درد ضعف های ما فیضی را حاصل کنیم که در وقت ضرورت «ما را» اعانت کند.

عبرانیان ۵: ۷-۹

۷ و او در ایام بشریت خود، چونکه با فریاد شدید و اشکها نزد او که به رهاندنش از موت قادر بود، تضرع و دعای بسیار کرد و به سبب تقوای خویش مستجاب گردید ۸ هر چند پسر بود، به مصیبت هایی که کشید، اطاعت را آموخت ۹ و کامل شده، جمیع مطیعان خود را سبب نجات جاودانی گشت.

«هیچ تجربه (وسوسه) جز آنکه مناسب بشر باشد شما را فرو نگرفت، اما خدا امین است که نمی گذارد، شما فوق طاقت خود آزموده شوید بلکه با تجربه (وسوسه) مفری نیز می سازد تا یارای تحمل آن را داشته باشید.» (اول قرنیتیان ۱۰: ۱۳)

الف - وسوسه مناسب بشر است: متناسب با شخصیت و خواسته های ماست.

ب - وسوسه برای کل بشر است: هیچ استثنایی در این بین وجود ندارد حتی برای «عیسی مسیح در ایام بشریت وی».

پ - هر نوع وسوسه ای که در زندگی ما اتفاق می افتد، عیسی مسیح آن را درک می کند «آزموده شده در هر چیز به مثال ما».

ت - هیچ وسوسه فوق طاقت بشر نیست.

ث - در برابر وسوسه باید دعا کنیم. «ما را در آزمایش میاور بلکه از شریر ما را رهایی ده.»

ج - ما باید زندگی خود را به گونه ای برنامه ریزی کنیم که از محیط وسوسه دور شویم «از شهوات جوانی بگریز»

چ - در هر وسوسه خدا مقری برای ما می سازد. (پیدایش ۳۹: ۷ - ۱۲)

ح - وسوسه در ما ترس و احترام به خداوند و نفرت از شیطان را رشد می دهد. (یعقوب ۱: ۲ - ۴)

موضوع دعا:

- خداوند مرا در طریقه های راستی نگاه دار تا به هر وسوسه مانند عیسی مسیح «نه» بگویم و پیروزی او را در هر لحظه زندگی تجربه کنم.

روز هفتم : صبر و پیروزی

اعداد باب های ۶۵:۲۶ و ۱۲:۳۲ را که در زیر آمده بخوانید .

اعداد ۶۵:۲۶

۶۵ زیرا خداوند درباره ایشان گفته بود که البته در بیابان خواهند مرد ، پس از آنها یک مرد سوای کالیب بنیَفَنَه و یوشع بن نون باقی نماند .

اعداد ۱۲:۳۲

۱۲ سوای کالیب بنیَفَنَه قِنزِی و یوشع بننُون ، چونکه ایشان خداوند را پیروی کامل نمودند .

« هیچکدام از این مردمان و از این طبقه شریر ، آن زمین نیکو را که قسم خوردم که به پدران شما بدهم ، هرگز نخواهند دید . سوای کالیب بن یفنه که آن را خواهد دید و زمینی را که در آن رفته بود ، به وی و به پسرانش خواهم داد ، چونکه خداوند را پیروی کامل نمود ... یوشع بن نون که به حضور تو می ایستد ، داخل آنجا خواهد شد ، پس او را قوی گردان ، زیرا او است که آن را برای بنی اسرائیل تقسیم خواهد نمود . » (تثنیه ۱: ۳۵ و ۳۶ و ۳۷)

چهل سال پس از آنکه یوشع و کالیب و سایر جاسوسان از سرزمین موعود بازگشته و آن را دیده بودند ، می گذشت . در باب دوم کتاب یوشع ما شاهد این هستیم که این بار تنها دو جوان را برای جاسوسی می فرستند و همان خبری را می آورند که یوشع و کالیب ، چهل سال پیش در جوانی خود سرزمین موعود را دیده بودند ، ولی به خاطر بی ایمانی سایرین ، چهل سال از زیستن در آنجا محروم ماندند ، آن هم به خاطر بی ایمانی دیگران . خیلی سخت است ولی این دو مرد خدا ساخته شدند .

یوشع صبر کرد و این بار او و در مقطعی برای تصرف اربع ، کالیب ، رهبری پیروزی قوم را بر عهده گرفتند ؛ آنچه که خداوند به آنها بخشیده بود . زیرا کثرت تجربه روحانی و شناخت حقیقی آنان از خداوند و صبر کردن آنان ، آنها را شایسته رهبری قوم کرده بود . پیر شده بودند ولی همچنانکه کالیب می گوید ، قوت ایشان باقی بود مانند چهل و پنج سال پیش که جوان بودند ، زیرا قوت ایشان خدا بود .

صبر کردن برای تنبیه شدن بسیاری از ایمانداران متمرّد و بی ایمان ، در زمان و مکانی که می دانیم در یک قدمی هدف و آرزوی روحانی خود هستیم ، تحمل کرده و محبت کنیم . این کار بسیار مشکل و گاه حسرتبار است ، ولی دانستن اینکه او می داند که چه می کند ، به ما امیدی تازه و قوتی تازه می بخشد .

کالیب و یوشع نصیب خود را از سرزمین موعود گرفتند . آنها جنگیدند و به آنچه که خداوند برایشان فراهم آورده بود ، رسیدند . در حالیکه دیگر برادرانشان که قوم خدا را گداخته بودند ، در بیابان در غم و حسرت جان سپردند ، رهبری به آنها پی رسید که از همان نخست ، شناخت درستی از خدا داشتند . کالیب همان بنی عناقی را شکست داد که چهل سال پیش هم ایشان را دیده بود و می دانست با وجود اینکه قوم بلند قد هستند و در شهرهای حصاردار کوهستانی زندگی می کنند ، ولی سایه از ایشان گذشته است و چون خدا با ماست ، ایشان خوراک ما هستند .

کالیب وعده را گرفت ، زیرا برای دریافت وعده ، هم صبر کرد و هم جنگید . وعده از آن او شد زیرا به خداوند ایمان آورد ، زیرا که یهوه خدای اسرائیل را به تمامی دل پیروی نموده بود ، پس زمین از جنگ آرام گرفت .

موضوع تفکر در دعا :

- خداوند به من صبر کردن در جنگهای روحانی را بیاموز : در سخت ترین شرایط .
- خداوند به من بیاموز که در همه حال تنها تو ، قوت من باشی .
« خداوند قوت و تسبیح من است و او نجات من گردیده است ، این خدای من است ، پس او را تمجید می کنم . » (خروج ۱۵ : ۲۰)